

نقاشی و داستان رستم

در چند قرن پیش از شاهنامه



WWW.KHERADGAN.IR

نویسنده:

مجید خالقیان

نقاشی و داستان رستم در چند قرن پیش از شاهنامه

مجید خالقیان^۱

مطابق با به‌روزرسانی ۱۰ آبان ۱۳۹۴

شاید تصور وجود داستان‌های مرتبط با رستم داستان، پهلوان بزرگ ایرانی در متون به جا مانده از کشور چین، آن هم چند قرن قبل از سروده شدن شاهنامه، کمی دشوار باشد، اما مهاجران سغدی که به چین راه یافته بودند، چنین داستان‌هایی را به یادگار گذاشته‌اند. سغد باستان یکی از مناطق ایرانی نشین آسیای مرکزی بوده و همواره فرهنگ ایرانی در آن منطقه از جایگاه قابل توجه برخوردار بوده است؛ از بخش‌های مهم این منطقه می‌توان به سمرقند و بخارا اشاره کرد که بعد از اسلام پایگاه مهمی برای فرهنگ ایرانی شد. زبان سغدی که از زبان‌های ایرانی شاخه شمال شرقی است، نقش مهمی در جهان باستان داشته و در آسیای مرکزی به عنوان زبان میانگان (میانجی) مطرح بوده است (ن.ک: زرشناس، ۱۳۸۳).

مهاجران سغدی که به مناطق مختلف سفر می‌کردند گهگاه با خود عناصر ایرانی را می‌بردند. از یافته‌های جالب متون سغدی می‌توان به داستان رستم و دیوها اشاره کرد که در «غارهای هزاربودا» نزدیک شهر توئن هوانگ (دون هوانگ) در ایالت کانسوی چین یافت شده است؛ این منطقه به غار موگای هم مشهور می‌باشد.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه تهران

به نظر می‌رسد در سال ۳۶۶ میلادی که کار ساختمان غارهای هزار بودا آغاز شد تعداد زیادی سغدی بودایی در دون هوان زندگی می‌کردند (قریب، ۱۳۸۶: ص ۲۶). داستان رستم اگر چه جزء مجموعه متون سغدی بودایی که در چین پیدا شده می‌باشد، اما از نظر محتوا ارتباط با متون دینی بودایی ندارد به طوری که از هیچ یک از دیدگاه‌های فلسفی بودا متاثر نیست (همان: ص ۱۶۷). این داستان آشکارا جنبه‌های حماسه‌های ایرانی را دارد و می‌دانیم که چند قرن بعد رستم داستان، برجسته‌ترین پهلوان اثر گرانقدر فردوسی توسی یعنی شاهنامه می‌شود.

در سال ۱۹۰۷ سر اورل استین از غارهای هزاربودا دیدن کرد و داخل کتابخانه راه یافت و بسیاری از مدارک نوشته را با خود به موزه بریتانیا به لندن برد. بعد از او دانشمند چین‌شناس فرانسوی، پلیو به سراغ کتابخانه پنهان رفت و بیشتر مدارکی که به خط و زبان تا آن روز ناشناخته بود، همراه خویش به کتابخانه ملی پاریس برد. بعدها معلوم شد که مدارک سغدی است و داستان رستم ما همراه همین جهانگردان دانشمند، از چین به اروپا سفر کرد و قطعه بزرگ آن با گنجینه پلیو وارد کتابخانه ملی پاریس و قطعه کوچکتر آن همراه سر اورل استین به موزه بریتانیا راه یافت.

متن سغدی که داستان رستم را شرح می‌دهد کامل نیست و فقط بخشی از داستان را در بر می‌گیرد که به نظر می‌رسد داستان به این شکل و شمایل در شاهنامه نیامده است ولی این داستان یادآور جنگ رستم با دیوها می‌باشد که در شاهنامه جایگاه خاصی دارد.

بخشی از این داستان بدین شرح است:

رستم با نیکنامی بزرگ برگشت. به چراگاهی نیکو رفت، ایستاد، زین برگرفت، اسب را در سبزه رها کرد، جامه درآورد، غذایی خورد، سیر شد، بستری گسترد، دراز کشید [و] به خواب رفت... دیوان آنان که از جنگ جان به در برده بودند، با ساز و برگ گران و سلاح نیرومند مجهز شدند. با شتاب فراوان دروازه شهر را گشودند... زمانی دراز باران، برف، تگرگ [و] تندر بزرگ برانگیختند. دهان را باز گشودند [و] آتش، شعله، دود رها ساختند و به جستجوی رستم دلاور رهسپار شدند. آنگاه آمد رخس تیزهوش [و] رستم را بیدار کرد. رستم از خواب برخاست، در حال، جامه پوست پلنگ پوشید، ترکش‌دان بریست، بر رخس سوار شد، به سوی دیوان شتافت... (قریب، ۱۳۸۶: صص ۱۷۰-۱۷۱).

آنچه درباره نام رستم در این متن جالب می‌نماید این است که نام رستم در متن سغدی، آوای زبان‌های ایرانی غربی را دارد و بیشتر شبیه به پارسی میانه و پارتی است تا سغدی! این نشان می‌دهد که احتمالاً سغدیان داستان را از دیگر مردمان ایرانی شاید اشکانیان وام گرفته‌اند (قریب، ۱۳۸۶: ص ۱۸۱). اما با توجه به وجود دیوارنگاری‌ها و نقاشی‌هایی که از خود سغد به جا مانده است و در آنها رستم ترسیم شده، معلوم می‌شود که رستم شخصیتی محبوب در میان سغدیان بوده است. به عبارتی رستم را باید شخصیتی دانست

که در شکل گیری داستان‌های او، بسیاری از ایرانی‌فرهنگان نقش داشتند و در نهایت هم تبدیل به برجسته‌ترین پهلوان ایرانیان شده است.

هنگامی که نگاهی به دیوارنگاری‌های سغد بیندازیم، مشخص می‌شود که سغدیان در سرزمین خودشان، با این داستان‌ها آشنایی داشتند. در دیوارنگاری‌های شهر پنجکنت که مربوط به قرون ۵ تا ۸ میلادی هستند، رستم و یارانش ترسیم شده‌اند. پنجکنت شهری در شمال تاجیکستان امروزی است که دیوارنگاری‌های سغدی فراوانی در آن یافت شده است. بسیاری از این دیوارنگاری‌ها در موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ نگهداری می‌شوند.

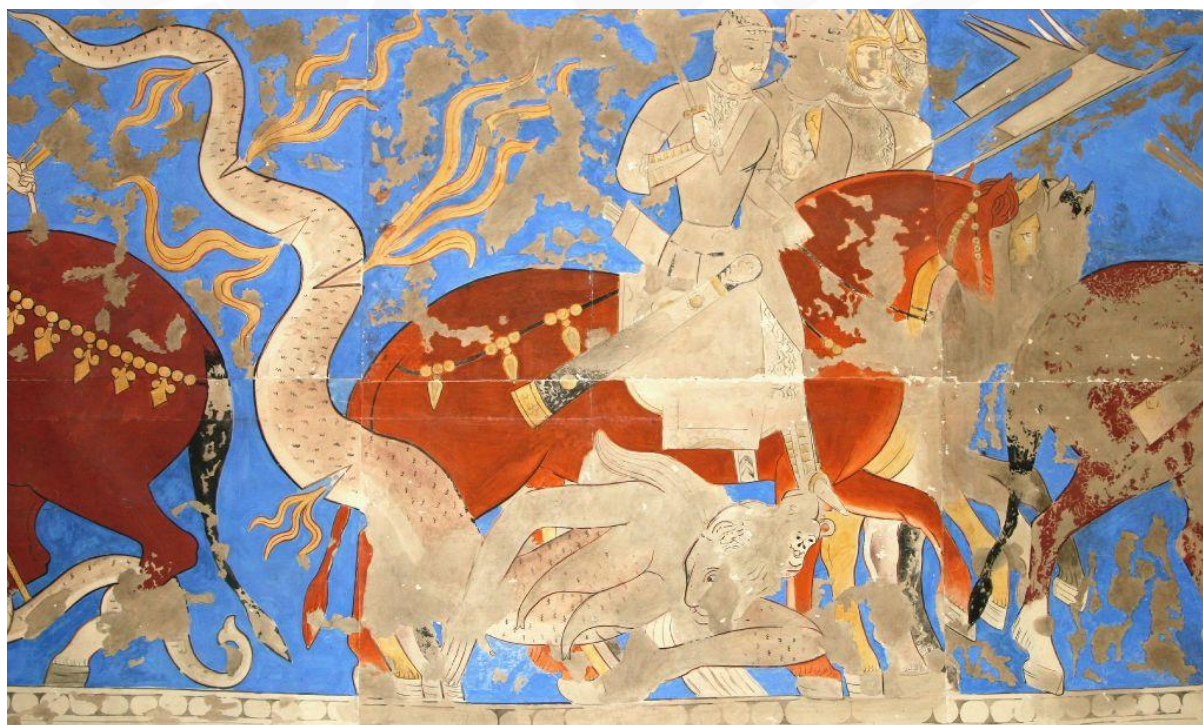
در نقاشی‌های پنجکنت، سواری خوش اندام به همراه یارانش، با دشمنانی چون هیولای مار مانند و دیوها در حال جنگ است. این سوار که پهلوان شاخص نقاشی‌هاست، خفتانی از پوست پلنگ دارد و اسبش قرمز رنگ است (نگاه کنید به تصاویر ۱ و ۲). همه اینها یادآور رستم داستان، برجسته‌ترین پهلوان شاهنامه فردوسی می‌باشند (بنیتسکی، ۱۳۹۰: ص ۱۶۰).

محتوای این نقاشی‌ها شباهت آشکاری به روایت رستم در متون سغدی غارهای هزاربودای چین دارد که در بالا به آن اشاره شد. در نقاشی‌های پنجکنت علاوه بر آنکه رستم و رخس حضور دارند، دیوها هم ترسیم شده‌اند (نگاه کنید به تصویر ۳) و در حال جنگ با رستم و یارانش می‌باشند. این موارد جای شک باقی نمی‌گذارد که روایات سغدی غارهای هزار بودا همان داستان‌های نقاشی‌های پنجکنت را نقل می‌کنند.

این موضوع نشان دهنده این است که مهاجران ایرانی تبار سغدی که در چین زندگی می‌کردند، داستان‌های جهان ایرانی را از یاد نبرده و یاد و خاطره آنها را حفظ کرده‌اند. به طور کلی نقش سغدیان در گسترش فرهنگ ایرانی قابل توجه است به طوری که تاثیرات فراوانی در مردمان دیگر نواحی گذاشته‌اند (برای دانش بیشتر درباره رستم در دیوارنگاری‌های سغدی ن.ک: خالقیان، ۱۳۹۴: صص ۹۹-۱۰۳؛ همچنین درباره رستم در متون سغدی غار هزار بودای چین ن.ک: همان: ۱۲۱-۱۲۴).



تصویر ۱: جنگ رستم با هیولایی به شکل مار، یافته شده از پنجکنت (Rospisi Pendzhikenta, 2012)



تصویر ۲: رستم و یارانش پس از پیروزی بر هیولایی به شکل مار، یافت شده از پنجکنت (Snellac, 2007)



تصویر ۳: دیوها در دیوارنگاری‌های مربوط به داستان رستم، یافت شده از پنجکنت (Snellac, 2007)

شناسنامه نوشتار:

خالقیان، مجید (۱۰ آبان ۱۳۹۴). «رستم در آثار باستانی چین». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری:

<http://kheradgan.ir/?p=9365>

بن مایه‌ها و یاری نامه‌ها:

بلنیتسکی، الکساندر (۱۳۹۰). هنر تاریخی پنجکنت. ترجمه عباس‌علی عزتی، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.

خالقیان، مجید (شهریور ۱۳۹۴). «نقش سغدیان در حفظ، تداوم و گسترش فرهنگ ایرانی در عهد باستان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

زرشناس، زهره (بهار ۱۳۸۳). «زبان سغدی در یک نگاه». نامه پارسی. س ۹، ش ۱. صص ۵-۲۶.

قریب، بدرالزمان (تابستان ۱۳۷۶). «سغدی‌ها و جاده ابریشم». ایران شناخت. ش ۵. صص ۲۴۶-۲۸۱.

قریب، بدرالزمان (۱۳۸۶). مطالعات سغدی. به کوشش محمد شکر فومشی، تهران: طهوری.

بن مایه‌های نگاره‌ها:

بلنیتسکی، الکساندر (۱۳۹۰). هنر تاریخی پنجکنت. ترجمه عباس‌علی عزتی، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری
متن.

____ (2012). "Росписи Пенджикента. Эрмитаж". ele8ele. Available online at
"ele8ele.livejournal.com/24772.html".

Snellac, Retlaw (2007). "The Silk Road". Flickr. Available online at
"flickr.com/photos/waltercallens/1303126349".



پایگاه خردگان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR